



اندیشه

# عفت عمومی جامعه نبوی و علوی

زینب مزرعی فراهانی

اشاره:

مقیاس سنجش رشد و کمال در جوامع اسلامی، مدینه ی فاضله ی نبوی و علوی است؛ چرا که معصومین علیهم السلام، اندیشه هایشان بر اساس علوم الهی و قرآن کریم می باشد. یکی از صفات مهم و لا ینفک این مدینه های فاضله، وجود روش هایی نیکو و دستورالعمل هایی بخردانه برای ایجاد عفت عمومی و رعایت آن در اجتماع است. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام که مظهر عفت بودند، دستوراتی برای رسیدن به این امر مهم در اجتماع دارند که سامان یافتن جوامع منوط به رعایت کامل آنها می باشد. امروزه جوامع غیر مسلمان برای سلامت محیط های علمی، آموزشی، فرهنگی و عمومی، ضوابط و قوانینی برای رعایت پوشش (عفت در پوشش) افراد تنظیم کرده اند که توجه به آنان ما را به این فکر وادار می کند که کشور اسلامی ما نیز در حوزه های مختلف اجتماع، تا چه اندازه به سمت الگوی اصیل جامعه ی نبوی و علوی حرکت می کند و در صدد ایجاد حریم و عفت عمومی است؟  
واژگان کلیدی: عفت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، جامعه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجموعه مجله اندیشه

## امیر المؤمنین (ع) خطاب به امام حسن مجتبی (ع) توصیه فرمودند: «تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد، هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند.»

داشت که سبب می‌شد عفت در عموم جامعه رواج یابد و حصار آن شکسته نشود. در سنن ابی‌داوود آمده است که پیامبر (ص) که خود عقیف‌ترین انسان‌ها بود، در زمان حیاتش برای جلوگیری از اختلاط زن و مرد که باعث فتنه و آسیب می‌شود، اشاره کردند که در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان جدا باشد و نیز دستور دادند که هنگام شب وقتی که نماز تمام می‌شود، ابتدا زن‌ها خارج شوند و سپس مردها.<sup>۶</sup> حتی برای عدم اصطکاک و برخورد بین دو جنس در کوچه و خیابان فرمودند که مردان از وسط و زنان از کنار کوچه یا خیابان عبور کنند.<sup>۷</sup>

از دیگر مواردی که نبی مکرم اسلام (ص) برای حفظ حریم زنان و مردان انجام دادند، تقسیم کار میان علی (ع) و فاطمه زهرا (س) بود.<sup>۸</sup> امیر المؤمنین نیز در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن مجتبی در مورد روابط اجتماعی بانوان چنین توصیه فرمودند: «تا می‌توانی کاری کن که زن تو با مردان بیگانه معاشرت نداشته باشد، هیچ چیز بهتر از خانه، زن را حفظ نمی‌کند. همان‌طور که بیرون رفتن آنان از خانه و معاشرت با مردان بیگانه در خارج خانه برایشان مضر و خطرناک است، وارد کردن تو مرد بیگانه را بر او در داخل خانه و اجازه معاشرت در داخل خانه نیز مضر و خطرناک است. اگر بتوانی کاری کنی که جز تو، مرد دیگری را نشناسد، چنین کن.»<sup>۹</sup> این فرموده امام (ع) توصیه‌ای اخلاقی است و این مطلب را نشان می‌دهد که خواست اسلام این است که تا جایی که امکان دارد اجتماع مدنی، غیر مختلط باشد.<sup>۱۰</sup> روزی به امیر المؤمنین علی (ع) اطلاع دادند که زنان کوفه در مراکز تجاری و بازار، رفت و آمد دارند و شخصا به خرید و فروش می‌پردازند. امام (ع) در یک سخنرانی خطاب به مردم کوفه فرمود: آیا حیا ندارید و غیرت نمی‌ورزید که زن‌های شما به بازارها می‌روند و با جوانان قوی و خوش‌هیکل روبه‌رو می‌شوند؟<sup>۱۱</sup>

جلوگیری از اختلاط زن و مرد در محیط‌های آموزشی، علمی، فرهنگی و عمومی؛ آثار بسیار مثبت و سازنده‌ای دارد که

امروزه جوامع اسلامی برای رسیدن به رشد و بالندگی و تکامل هر چه بیشتر، بایستی بیش از پیش خود را به الگوی کامل جامعه اسلامی عرضه کنند و خود را بسنجند که تا چه اندازه به مدینه فاضله نبوی و علوی نزدیک هستند؛ چرا که نبی مکرم اسلام (ص) خود یک شخص نبودند، بلکه ایشان تنها مکتب عظیم سعادت‌آفرین و حیات‌بخش مجسم هستند که جزء جزء اندیشه‌هایشان بر اساس آیات هدایتگر قرآن کریم و علوم الهی است. امیر المؤمنین علی (ع) نیز شاگرد و شیفته بی‌قرار این مکتب حق بود که بی‌شک، پا جای پای نبی مکرم اسلام (ص) گذاشت و همواره اصرار داشت تا تمامی حرکات و سکناتش شبیه پیامبر (ص) باشد، چنانچه ایشان خود فرمودند: اینی حاملکم علی منهج نبیکم....<sup>۱۲</sup>

اگر جامعه‌ای بخواهد شبیه جامعه علوی و نبوی باشد، باید در هر زمینه‌ای معیارهایش، مطابق با معیارهای جامعه اسلامی باشد، چرا که راه آنان مستقیم و منش آنان معتدل و متعادل و در هر زمینه‌ای از افراط و تفریط به دور است. از لوازم لاینفک چنین جامعه‌ای؛ صفت شریف و مهم «عفت» است. از پرداختن به واژه عفت و واژه‌هایی که از آن مشتق می‌شود؛ عفاف، تعفف و استعفاف؛ معانی پرده‌پوشی، پاکدامنی و پارسایی برداشت می‌شود.<sup>۱۳</sup> این پاکدامنی و پرده‌پوشی ویژه زنان نیست و مردان را نیز شامل می‌شود. با مراجعه به قرآن کریم که قوانین آن بر زبان نبی مکرم (ص) جاری گشته است، درمی‌یابیم که عفت ابعاد مختلفی دارد: عفت در گفتار، اندیشه و پوشش، نگاه و ارتباط که زیرمجموعه عفت در رفتار می‌باشند. پرداختن به این امر مهم و بررسی آن در جامعه نبوی و علوی، از عهده یک مقاله کوتاه خارج است، اما نویسنده جهت محدودیت نشریه به همین مقدار بسنده می‌کند.

حفظ عفت عمومی در هر جامعه‌ای بسیار مهم و قابل توجه است، به طوری که فقدان آن سبب بیماری و ذلت جامعه و افراد آن شده و آن جامعه را به قهقرا سوق می‌دهد. در جامعه‌ای که نبی مکرم اسلام (ص) آن را هدایت می‌کرد، دستورالعمل‌هایی وجود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

اگر جامعه‌ای بخواهد شبیه جامعه علوی و نبوی باشد، باید در هر  
زمینه‌ای معیارهایش، مطابق با معیارهای جامعه اسلامی باشد،  
چرا که راه آنان مستقیم و منش آنان معتدل و متعادل و در هر  
زمینه‌ای از افراط و تفریط به دور است.

روان‌شناسان و جامعه‌شناسان نیز در این باره بسیار سخن گفته و آن را تأیید کرده‌اند. امروزه برخی کشورها در صددند که این روش را خصوصاً در مراکز آموزشی و عمومی شان اجرا کنند. آیا کشور اسلامی ما، در این زمینه به سمت الگوی اصیل جامعه نبوی و علوی حرکت می‌کند؟ خداوند متعال در قرآن کریم، به مردان و زنان مؤمن صراحتاً در مورد عفت جنسی، عفت در گفتار و رفتار، عفت در نگاه و عفت در پوشش دستوراتی داده است.<sup>۱۰</sup> نتیجه حفظ عفاف جوارح و جوانح، پوشش ظاهری و حجاب است که دین اسلام به جهت هندسه جسمی زن و روح و روان او، بسیار به این امر سفارش کرده است و با مراجعه به سیره نبی اعظم و ائمه اطهار (ع)، اهمیت این مطلب برایمان روشن خواهد شد.

در کتاب سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۸۲ به نقل از ام‌سلمه آمده است که در جامعه نبوی پس از نازل شدن آیه شریفه «يَذُنِّبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيهِنَّ»<sup>۱۱</sup>، زنان انصار وقتی از خانه بیرون آمدند، بر سر آنها عبا و چادر سیاه مانند زایغ‌ها نمایان بود و پیامبر (ص) با دیدن آنها تبسم می‌کرد و رضایت خود را نشان می‌داد.<sup>۱۲</sup> اما آیا آنچه دیروز در جامعه نبوی و علوی، اصل و معیار عفت شمرده می‌شد، امروز

در جامعه اسلامی ما نیز معیار و اصل شمرده می‌شود؟

بانگاهی به ضوابط پوشش در دانشگاه‌های آمریکا، اروپا، آسیا، آفریقا و استرالیا، درمی‌یابیم که پوشش و رعایت قوانین و ضوابط مربوط به آن در دانشگاه‌های آنان تا جایی اهمیت دارد که دانشجویانی که این ضوابط را رعایت نکنند، رد شده و قبول نمی‌شوند و به‌خانه فرستاده می‌شوند. دانشگاه آکسفورد انگلیس، گریل ویل شمالی در آمریکا، کالج برات در ترکیه، دانشگاه ایالتی فلوریدا در آمریکا و ... قوانین ویژه‌ای در زمینه پوشش و سلامت محیط علمی تنظیم کرده‌اند که هر شنونده‌ای را به تعجب و تحسین وادار می‌کند. قضاوت در مورد وضعیت پوشش در دانشگاه‌های ایران اسلامی مان را به خوانندگان محترم می‌سپاریم!

از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع) انسان عقیف این‌گونه معرفی شده است:

مَا الْمُجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَعْظَمِ أَجْرًا - مِمَّنْ قَدَرَ فَعَفَّ -  
لَكَادَ الْعَقِيفُ أَنْ يَكُونَ مَلَكًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ؛ مجاهد شهید در راه خدا  
از نظر اجر، از کسی که قادر به گناه است و عفت می‌ورزد، بالاتر  
نیست. انسان عقیف نزدیک است که فرشته‌ای از فرشتگان شود.<sup>۱۳</sup>

نمونه دیگری از اهمیت امیرالمؤمنین (ع) به حفظ عفت را در ماجرای جنگ جمل (سال ۳۶ ه.ق)، در مورد کمک به حفظ عفت عایشه می‌بینیم که در کتب تاریخی آمده است.

سامان یافتن جامعه در عصر نبوی به این جهت بود تکیه ایشان بر دستورات قرآن کریم بود. برای پایداری و سلامت هر جامعه‌ای ضروری است که دستورات صریح قرآن و نبی اکرم (ص) و امیرالمؤمنین علی (ع) در تمام زمینه‌ها به ویژه در زمینه عفت عمومی به طور واقعی و کامل اجرا شود. بنابراین عفت عمومی در صورتی حاصل می‌شود که در عموم حوزه‌های اجتماع، دستورات دین مبین اسلام که در صدد ایجاد حریم است، نه حبس و اختلاط زن و مرد، رعایت شود. زن و مرد با رعایت عفت در نگاه، پوشش، تماس، بدن، گفتار، رفتار، اندیشه، معاشرت و دامن؛ سبب ایجاد عفت در عرصه‌های مختلف اجتماع از جمله حوزه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی، آموزشی، ادبی، هنری و ورزشی خواهند شد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام؛ رسول جعفریان؛ ص ۸۱.
۲. شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید؛ ج ۷؛ ص ۳۶، ذیل خطبه ۹۱.
۳. لسان‌العرب؛ ابن منظور؛ ج ۲ ص ۵۹.
۴. مسئله حجاب؛ شهید مرتضی مطهری؛ ص ۲۳۳.
۵. کافی؛ ج ۵، ص ۵۱۸.
۶. مستدرک الوسائل؛ محدث نوری؛ ج ۱۳، ص ۴۸.
۷. نهج البلاغه؛ نامه ۳۱.
۸. مسئله حجاب؛ ص ۲۳۶ س.
۹. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی؛ ج ۲۰، ص ۲۳۶.
۱۰. نور، احزاب، مؤمنون، قصص، فرقان، معارج، بقره.
۱۱. احزاب، آیه ۵۹.
۱۲. الگوی زن اصیل و آزاد در عصر انقلاب؛ محمدتقی حشمت‌الواعظین؛ ج ۲، ص ۲۳.
۱۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۷۴.